

اجرای برنامه موسیقی در تلویزیون ...



میلاد کیابیی

آهنگساز و نوازنده‌ی سنتور
و مدرس موسیقی

با شترسواری دولگ دولگ!

بعد به صورت زنده اجرا می‌نمودیم. بخش اجرای موسیقی این برنامه به عهده‌ی این‌جانب محول شده بود. خوشبختانه برنامه‌ی پُرطرفدار و پُربیننده‌ی بود، چون به صورت زنده اجرا می‌شد. حس و حال به‌خصوصی نیز داشت و خوب به‌یاد دارم در آن زمان هم باز پیش از اجرای هر برنامه‌ی ساز مرا تحت پوشش گل و گیاه، گلدان و تنگ آب و ماهی و شمع در حال سوختن قرار می‌دادند. در آن زمان هم تصمیم گرفته بودم از قبول دعوت و رفتن به این برنامه به خاطر همین بی‌حرمتی نسبت به ساز صرف‌نظر نمایم. ولی یکی از دوستان اندیشمندم تأکید داشت صحنه و میدان را نباید خالی نگاه داشت؛ زیرا هر یک از ما افراد این کشور به‌عنوان وظیفه‌ی ملی، میهنی و به حکم ایرانی‌بودنمان می‌باید برای حفظ فرهنگ، ادبیات، شعر، علم و هنر بویژه هنر موسیقی که میراث نیاکان ما می‌باشد، به سهم خود نقش داشته و در حفظ و اشاعه‌ی آن بکوشیم و بهتر است این فرصت را که نتیجه‌ی آن به نفع فرهنگ و جامعه است، از دست ندهیم.

به‌هر حال آن برنامه‌ها نیز به‌طرز مطلوبی پایان پذیرفت و نامه‌ها و تلفن‌های زیادی نیز همراه با انعکاس در مطبوعات فرهنگی، هنری در بر داشت.

در این‌جا به ذکر یکی از نامه‌هایی که به‌دستم رسید، به‌طور اختصار اکتفا می‌نمایم. آن‌گونه که از محتوای نامه به‌نظر می‌رسید، معلوم بود نویسنده‌ی نامه، نوجوان ۱۷ یا ۱۸ ساله‌ی شهرستانی باید بوده باشد. وی این‌گونه نوشته بود که: «آقای میلاد کیابیی از اجرای برنامه‌ی زنده‌ی موسیقی خیلی بهره‌مند می‌شویم، به‌خصوص این‌که همراه با تفسیر به اجرای قطعات می‌پردازید و این عمل باعث معنا در موسیقی می‌گردد، نه عامل لذت در موسیقی. ولی تقاضا دارم به‌دلیل آن‌که ما در یکی از نقاط دورافتاده و محروم زندگی می‌کنیم، نام‌سازی که می‌نوازید ببرد و در صورت امکان شکل آن را هم برایمان ترسیم نمایید».

در نامه‌ی دیگر آمده بود که: «همین تلویزیون اسلحه را نشان می‌دهد، جنگ و خونریزی را نشان می‌دهد، آدم‌کشی را نشان می‌دهد، حتا مواد مخدر را به دفعات نشان داده است... یعنی نشان دادن ساز از این موارد فوق نیز بدتر است! که تا این حد از نشان دادن آن اکراه دارند؟! لطفاً پاسخ مرا بدهید».

نامه را عیناً به مدیر شبکه دادم و در پاسخ این نوجوان نوشتیم: شما هرگونه قضاوت کنید، حق دارید. زیرا من هنوز نتوانسته‌ام پاسخی برای این کار دریافت نمایم. فقط این را می‌دانم و می‌توانم بگویم که اجرای برنامه‌های موسیقی تلویزیونی مرا به‌یاد یک ضرب‌المثل قدیمی ایرانی می‌اندازد. «شتر سواری... دولگ دولگ».

□ آری سخن از آن‌جا آغاز می‌گردد که بعد از مدت نسبتاً درازی که تقریباً از اجرای برنامه‌های رادیو و تلویزیونی کناره‌گیری نموده بودم، به‌دعوت یکی از تهیه‌کنندگان بافرهنگ و فرهیخته‌ی تلویزیونی که عاشقانه جهت اعتلا و اشاعه‌ی هنر اصیل موسیقی ایرانی تلاش می‌نماید، جهت اجرای یک ویژه برنامه‌ی زنده‌ی فرهنگی و هنری تلویزیونی به‌منظور سخنرانی و نوازندگی همراه با تفسیر اجرای قطعات، دعوت گردیدم. لذا با وجودی که دعوت به‌صورت رسمی بوده و ما را هم به‌عنوان میهمان ویژه پذیرفته بودند و اتومبیل و راننده جهت ایاب و ذهاب فرستاده بودند و حتا هنگام ورود به ساختمان رادیو و تلویزیون، کارت شناسائی هم از ما نخواستند، اما لحظاتی قبل از اجرای برنامه در محل استودیو مشاهده شد که دکوراتورها باز هم دارند جلوی ساز مرا با گل و گیاه و سایر ابزار و وسائل دکور، تحت پوشش قرار می‌دهند!

واقعاً صحنه‌ی مضحکی بود. گفتیم اگر هنوز نشان دادن تصویر ساز مشکل دارد، پس چرا مرا با سازم دعوت نموده‌اید، خوب، می‌توانستم فقط صحبت داشته باشم و یا مثل خیلی‌های دیگر نوار صوتی یا سی‌دی از پیش ضبط شده را جهت معرفی آثار اجرایی همراه بیاورم. آخر معنی این عمل چیست و چه پاسخی برای آن دارید و چه سیاستی برای این پنهان‌کاری در کار است!

همه می‌دانند که بیش از پنجاه یا شصت درصد برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی را موسیقی تغذیه می‌نماید و اگر موسیقی را از این دو رسانه بردارند، اکثر مخاطبین خود را از دست می‌دهد و اساساً زندگی بدون موسیقی یکی از عوامل بروز افسردگی است.

وانگهی، این‌که این عمل حساسیت بیش‌تری روی نسل فعلی پدید خواهد آورد و آنان را نیز کنجکاوتر خواهد نمود.

با این اوصاف جای بسیار تعجب و تأسف است که هنوز رادیو و تلویزیون این مملکت برنامه‌ی ثابت، معین و مشخصی تحت عنوان موسیقی ندارد و موسیقی در واقع خوراک میان برنامه‌ها گردیده است و به‌عبارتی دیگر موسیقی یعنی این هنر والا و این هنر اول شناخته‌شده در سطح جهان، خلاً پُر کن برنامه‌های رادیو و تلویزیون‌ها گردیده. به‌هر حال با عذرخواهی از آن تهیه‌کننده‌ی محترم به دلایل فوق از شرکت و حضور در آن برنامه خودداری نمودم. ولی در این‌جا به یاد خاطره‌ی افتادم که ذکر آن خالی از لطف نیست. حدود چهار سال پیش برنامه‌ی تحت عنوان نسیم شبانه در پنجشنبه شب‌ها در یکی از شبکه‌های تلویزیونی با همکاری آقایان دکتر حسین باهر، دکتر محمود عزیزی و دکتر صدرالدین شجره و شرکت عده‌ی از شخصیت‌های فرهنگی، علمی، ادبی و هنری به مدت ۳ ماه تابستان از ساعت ۱۲ شب به